نام خیابان‌ها در شهرهای تبعیدی و «شهر بی‌شهر»؛ مدیریت بحران چه می‌آموزد؟ گفت‌وگو با نویسندهٔ کتابی که از حافظه‌ی شهر می‌نویسد

مریم سپهری — نیلوفر

□ نسخهٔ چاپی ۱۲۰ تومان / برای مشترکان هفته‌نامه رایگان

وقتی از تبعید حرف می‌زنیم، معمولاً از مرزها، گذرنامه‌ها و اردوگاه‌ها حرف می‌زنیم. کمتر از خیابان‌هایی که نام‌هایشان را از دست می‌دهند. کمتر از کوچه‌هایی که شماره‌هایشان عوض می‌شود، بی‌آنکه کسی از خانه‌هایش تکان خورده باشد. شهرهای تبعیدی فقط جمعیت خود را از دست نمی‌دهند؛ نشانی‌های خود را هم گم می‌کنند. همین گم‌شدن آرام، بی‌سروصدا و تدریجی است که حافظه‌ی جمعی را خالی می‌کند.

در چنین شهرهایی، نام خیابان‌ها فقط برای رفت‌وآمد نیست. آن‌ها به مردم می‌گویند کجا ایستاده‌اند، چه کسانی را دوست دارند و چه چیزهایی را نباید فراموش کنند. وقتی نام‌ها عوض می‌شوند، مردم هم کم‌کم یاد می‌گیرند که سکوت کنند. این دقیقاً همان جایی است که مدیریت بحران دیگر فقط با آب و آتش سروکار ندارد، بلکه با حافظه‌ی اجتماعی هم درگیر می‌شود.

به همین دلیل است که کتاب تازه‌ی «نشانی‌های گمشده: خیابان‌های تبعید و حافظه‌ی شهری» توجه ما را جلب کرد. کتابی که نه فقط درباره‌ی گذشته، بلکه درباره‌ی این است که چگونه می‌توان شهرها را از فراموشی نجات داد. برای گفت‌وگو درباره‌ی این کتاب، با نویسنده‌اش، آرش بهمنی، نشستیم.

مریم سپهری: چرا یک کتاب درباره‌ی نام خیابان‌ها برای شهرهای تبعیدی؟ مگر مردم در چنین شهرهایی فرصت دارند به نام کوچه‌ها فکر کنند؟

آرش بهمنی: دقیقاً برای همین. وقتی مردم فرصت ندارند، حافظه‌ی شهر شروع می‌کند به لغزیدن. نام خیابان‌ها کوچک‌ترین واحدهای این حافظه‌اند. وقتی یک خیابان نام کسی را که سال‌ها در آن زندگی کرده از دست می‌دهد، فقط یک تابلو عوض نمی‌شود؛ یک رابطه قطع می‌شود. همسایه‌ها دیگر نمی‌دانند از کجا به کجا می‌روند، و این یعنی شهر کم‌کم غریبه می‌شود.

مریم سپهری: در کتاب از «شهر بی‌شهر» حرف می‌زنید. این مفهوم را چطور تعریف می‌کنید؟

آرش بهمنی: شهر بی‌شهر جایی است که ساختمان‌ها هنوز سرپا هستند، اما رابطه‌ی مردم با شهر قطع شده است. مردم دیگر شهر را نمی‌سازند، فقط در آن زندگی می‌کنند. این وضعیت هم در شهرهای تبعیدی دیده می‌شود و هم در شهرهایی که از درون خالی شده‌اند. وقتی تصمیم‌ها بدون مشورت گرفته می‌شوند، وقتی نام‌ها بدون توضیح عوض می‌شوند، وقتی روایت رسمی با تجربه‌ی زیسته‌ی مردم فاصله‌ی زیادی پیدا می‌کند، شهر بی‌شهر می‌شود.

مریم سپهری: شما در کتاب از «نام‌های گمشده» حرف می‌زنید. منظورتان دقیقاً چه نام‌هایی است؟

آرش بهمنی: نام‌های گمشده نام‌هایی‌اند که یا عمداً پاک شده‌اند یا به‌مرور زمان از یاد رفته‌اند. مثلاً نام کسانی که در جنگ‌ها، اعدام‌ها یا مهاجرت‌های اجباری از شهر رفته‌اند. نام محله‌هایی که ساکنانشان دیگر برنگشته‌اند. نام کوچه‌هایی که فقط در خاطره‌ی چند نفر زنده مانده‌اند. این نام‌ها اگر ثبت نشوند، کم‌کم از زبان هم می‌افتند و بعد از آن از حافظه.

مریم سپهری: برخی می‌گویند تغییر نام خیابان‌ها کار ساده‌ای است و مشکل اصلی شهر جای دیگری است. شما چه پاسخی دارید؟

آرش بهمنی: درست است که تغییر نام خیابان به‌تنهایی مشکل شهر را حل نمی‌کند، اما بی‌توجهی به آن هم بی‌هزینه نیست. وقتی نام‌ها بدون توضیح عوض می‌شوند، مردم احساس می‌کنند چیزی از آن‌ها گرفته شده است. این احساس می‌تواند به بی‌اعتمادی، بی‌تفاوتی و حتی خشم تبدیل شود. مشکل اصلی نام نیست، اما نام می‌تواند نشانه‌ی مشکل باشد.

مریم سپهری: در کتاب به تجربه‌ی شهرهای تبعیدی اشاره می‌کنید. چه درسی برای مدیریت بحران در شهرهای داخلی دارد؟

آرش بهمنی: شهرهای تبعیدی نشان می‌دهند که وقتی مدیریت بحران فقط به زیرساخت فکر می‌کند و نه به حافظه، چه اتفاقی می‌افتد. مثلاً بازسازی می‌شود، اما کسی دیگر احساس نمی‌کند صاحب شهر است. مدیریت بحران باید بداند که حفظ روایت‌ها، نام‌ها و خاطره‌ها هم بخشی از تاب‌آوری است. شهری که حافظه‌اش را از دست بدهد، دیر یا زود خودش را هم از دست می‌دهد.

مریم سپهری: اگر بخواهیم از همین امروز شروع کنیم، چه کارهایی را پیشنهاد می‌کنید؟

آرش بهمنی: اول از همه ثبت. ثبت نام‌ها، معنای‌شان، کسانی که با آن‌ها زندگی کرده‌اند. دوم گفت‌وگو با همسایه‌ها، به‌ویژه با کسانی که دیگر نیستند یا نمی‌توانند حرف بزنند. سوم، ایجاد فضاهای عمومی برای یادآوری این نام‌ها؛ نه فقط با تابلو، بلکه با مراسم، گفت‌وگو و روایت. و در نهایت، این‌که شهر بپذیرد که فراموشی هزینه دارد و حافظه نیاز به مراقبت دارد.

مریم سپهری: و در پایان، اگر خواننده‌ای فقط یک کار بعد از خواندن کتاب انجام دهد، چه کاری را پیشنهاد می‌کنید؟

آرش بهمنی: به خیابانی که هر روز از آن رد می‌شود نگاه کند و از خود بپرسد که نام آن را چه کسی انتخاب کرده است. همین یک پرسش ساده می‌تواند آغاز رابطه‌ای تازه با شهر باشد. و گاهی آغاز رابطه‌ای تازه با شهر، تنها راه نجات شهر است.

(مطالب آخرین ما در اندیشه)

تعلیق کار در شرکت نانوایی صنعتی پس از اعتراض کارگران

تعلیق کار در شرکت نانوایی صنعتی پس از اعتراض کارگران به تأخیر در پرداخت دستمزد و نبود امکانات ایمنی در خط تولید، از ۱۲ دی‌ماه ادامه دارد. به گفته‌ی نمایندگان کارگران، بخشی از مطالبات صنفی پیش‌تر با وعده‌ی رسیدگی پایان یافته بود، اما تا کنون هیچ اقدامی صورت نگرفته است. مدیریت شرکت هنوز توضیحی درباره‌ی زمان بازگشایی کارخانه منتشر نکرده است.

ثبت‌نام ۱۲ هزار دانش‌آموز در مسابقه‌ی کتابخوانی

مرحله‌ی نخست مسابقه‌ی کتابخوانی «صفحه‌های باز» با ثبت‌نام ۱۲ هزار دانش‌آموز در ۴۸ مدرسه‌ی شهر برگزار می‌شود. دبیر مسابقه، مهدی نوروزی، گفت: «هدف ما فقط سنجش حافظه نیست، بلکه می‌خواهیم بچه‌ها دوباره دلشان بخواهد کتاب بخوانند.» مرحله‌ی نهایی در اسفند برگزار می‌شود.

بازگشایی پل معلق روستای سنگ‌بست

پل معلق روستای سنگ‌بست، که از آبان ۱۴۰۱ بسته بود، روز شنبه با حضور مسئولان محلی بازگشایی شد. این پل ۴۲ متر طول دارد و ۱۲۰ خانوار از آن برای رفت‌وآمد به مزارع و مدرسه استفاده می‌کنند. مهندس کامران یزدی‌پور، مدیرعامل شرکت پیمانکار، گفت که عبور همزمان بیش از ۱۰ نفر از روی پل ممنوع است.

آغاز ساخت ۲۰۰ واحد مسکونی برای زلزله‌زدگان

ساخت ۲۰۰ واحد مسکونی برای خانوارهای زلزله‌زده‌ی روستاهای بخش کوهسار شرقی آغاز شد. مدیرعامل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در شهرستان، مهندس رضا کیانی‌فر، گفت که زمین واحدها رایگان واگذار شده است. ساخت هر واحد ۶۰ متر مربع است و ۱۸ ماه طول می‌کشد.

افتتاح ۱۲ کلاس درس در روستای چشمه‌سار

۱۲ کلاس درس، یک سالن اجتماعات و یک کتابخانه‌ی روستایی در روستای چشمه‌سار افتتاح شد. مدیرعامل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در شهرستان، مهندس رضا کیانی‌فر، گفت که زمین واحدها رایگان واگذار شده است. ساخت هر واحد ۶۰ متر مربع است و ۱۸ ماه طول می‌کشد.

تعلیق کار در شرکت نانوایی صنعتی پس از اعتراض کارگران

تعلیق کار در شرکت نانوایی صنعتی پس از اعتراض کارگران به تأخیر در پرداخت دستمزد و نبود امکانات ایمنی در خط تولید، از ۱۲ دی‌ماه ادامه دارد. به گفته‌ی نمایندگان کارگران، بخشی از مطالبات صنفی پیش‌تر با وعده‌ی رسیدگی پایان یافته بود، اما تا کنون هیچ اقدامی صورت نگرفته است. مدیریت شرکت هنوز توضیحی درباره‌ی زمان بازگشایی کارخانه منتشر نکرده است.

ثبت‌نام ۱۲ هزار دانش‌آموز در مسابقه‌ی کتابخوانی

مرحله‌ی نخست مسابقه‌ی کتابخوانی «صفحه‌های باز» با ثبت‌نام ۱۲ هزار دانش‌آموز در ۴۸ مدرسه‌ی شهر برگزار می‌شود. دبیر مسابقه، مهدی نوروزی، گفت: «هدف ما فقط سنجش حافظه نیست، بلکه می‌خواهیم بچه‌ها دوباره دلشان بخواهد کتاب بخوانند.» مرحله‌ی نهایی در اسفند برگزار می‌شود.

بازگشایی پل معلق روستای سنگ‌بست

پل معلق روستای سنگ‌بست، که از آبان ۱۴۰۱ بسته بود، روز شنبه با حضور مسئولان محلی بازگشایی شد. این پل ۴۲ متر طول دارد و ۱۲۰ خانوار از آن برای رفت‌وآمد به مزارع و مدرسه استفاده می‌کنند. مهندس کامران یزدی‌پور، مدیرعامل شرکت پیمانکار، گفت که عبور همزمان بیش از ۱۰ نفر از روی پل ممنوع است.

آغاز ساخت ۲۰۰ واحد مسکونی برای زلزله‌زدگان

ساخت ۲۰۰ واحد مسکونی برای خانوارهای زلزله‌زده‌ی روستاهای بخش کوهسار شرقی آغاز شد. مدیرعامل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در شهرستان، مهندس رضا کیانی‌فر، گفت که زمین واحدها رایگان واگذار شده است. ساخت هر واحد ۶۰ متر مربع است و ۱۸ ماه طول می‌کشد.

افتتاح ۱۲ کلاس درس در روستای چشمه‌سار

۱۲ کلاس درس، یک سالن اجتماعات و یک کتابخانه‌ی روستایی در روستای چشمه‌سار افتتاح شد. مدیرعامل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در شهرستان، مهندس رضا کیانی‌فر، گفت که زمین واحدها رایگان واگذار شده است. ساخت هر واحد ۶۰ متر مربع است و ۱۸ ماه طول می‌کشد.